

بررسی دیدگاه علامه سید جعفر مرتضی‌عاملی درباره جعفرین ابی‌طالب

اسدالله رحیمی^۱

چکیده

جعفرین ابی‌طالب علیهم السلام جزو پیشگامان در اسلام و از افراد شاخص در میان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله است. ویژگی‌هایی مانند تعهد، ایمان استوار، عقل و درایت، شجاعت و بصیرت، هوشمندی و کیاست و بیان رسا و نافذ از او چهره تابناکی در میان یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ترسیم کرده است. منابع تاریخی، زندگی و نقش این شخصیت در دوره نبوی را تا حدودی گزارش کرده و در دوره‌های اخیر برخی پژوهش‌ها در مورد ایشان انجام شده است که از مهمترین آنها دیدگاه و تحلیل علامه سید جعفر مرتضی‌عاملی در این مورد است. از آنجاکه این تحلیل با نگاه انتقادی و نوآورانه همراه است بررسی آن در قالب طرح منسجم اهمیت و ضرورت جدی دارد. در پژوهش حاضر دیدگاه علامه سید جعفر مرتضی‌عاملی درباره جعفر طیار به روش توصیفی - تحلیلی بررسی شد. برخی از نتایج پژوهش عبارتند از: ایمان آوردن جعفر طیار که دومین مرد پس از امیرمؤمنان علیهم السلام در ایمان آوردن بود، نشانه پیشگامی او در اسلام است. هجرت ایشان به حبشه نه به دلیل ترس از آزار قریش، بلکه برای اداره امور مهاجران و نمایندگی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مواجهه و تعامل با دستگاه حکومتی حبشه بوده است. تبیین اقدامات فرهنگی پیامبر صلی الله علیه و آله و ایجاد تحول روحی بزرگ در پادشاه آن سرزمین و درباریان و نفوذ فرهنگی و زمینه‌سازی پذیرش اسلام در آن دیار از مهمترین فعالیت‌های جعفر در سرزمین حبشه است. جعفر طیار در نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصیت و جایگاه والایی داشت و ایشان اولین فرمانده در جنگ مؤته بوده است.

واژگان کلیدی: جعفر طیار، جعفرین ابی‌طالب، جعفر مرتضی‌عاملی، بررسی و تبیین

دیدگاه عاملی درباره جعفر طیار، هجرت به حبشه، مؤته.

۱. مقدمه

جعفر بن ابی طالب علیه السلام از چهره های نامدار صدر اسلام است که با رشادت و شجاعت کم نظیر در عرصه بیان و رزم، خدمات ارزشمندی برای نشر اسلام انجام داده است. او سومین پسر ابوطالب علیه السلام است که بیست سال قبل از بعثت در مکه متولد شد و در میان مردان، دومین فردی بود که پس از برادرش امیرمؤمنان علیه السلام اسلام آورد. وی بیش از ۱۰ سال سرپرستی مهاجران در سرزمین حبشه را برعهده داشت و در جنگ مؤته فرمانده لشکر بود که پس از جنگ و پیکار کم نظیر به شهادت رسید. با وجود جایگاه مهم جعفر در اسلام و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله او در میان بیشتر محققان عرصه تاریخ چندان مورد توجه نبوده و آن گونه که شایسته ایشان است به مجامع علمی معرفی نشده است. با این وجود در دهه های اخیر برخی محققان اهتمام ویژه ای به این مسئله داشته و در پژوهش های خود تحلیل های ارزشمند و علمی از زندگی ایشان ارائه داده اند. یکی از اندیشمندان که در این باره تحلیل های بدیعی ارائه کرده است، علامه جعفر مرتضی عاملی رحمته الله علیه می باشد. ایشان در کتاب *الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلی الله علیه و آله* به تفصیل از حیات اعتقادی، فکری و سیاسی او سخن گفته و نقش وی را در نشر اسلام به خوبی بررسی و تحلیل کرده است. مقاله حاضر درصدد است دیدگاه این محقق تاریخ را درباره جعفر بن ابی طالب بررسی کند و به این پرسش های پاسخ دهد: از منظر علامه، پیشگامی جعفر طیار در اسلام و نقش او در هجرت مسلمانان به حبشه، چگونه توصیف و تحلیل می شود؟ از نظر ایشان، سخنان جعفر طیار در مجلس نجاشی چه تحولی را در سرزمینی دور از اسلام ایجاد کرد؟ از نگاه علامه، جعفر طیار نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله چه جایگاهی داشت و نقش او در جنگ مؤته چگونه تحلیل می شود؟ در مقاله حاضر، توصیف ها و تحلیل های ایشان در این زمینه به صورت منسجم و نظام مند بازخوانی و ارزیابی می شود.

۲. پیشینه تحقیق

برخی از مهمترین پژوهش های انجام شده درباره جعفر طیار عبارتند از: کتاب *اکسیر اعظم*، تحقیقی جامع پیرامون شخصیت و نماز جعفر طیار (علی محمد بروجردی، ۱۳۹۲)؛ کتاب

پرنده بهشتی: نگاهی به زندگانی حضرت جعفر بن ابی طالب علیه السلام (جعفر طیار) (عباس تفکری آرانی، هادی آصفی، ۱۳۹۲)؛ کتاب زندگینامه حضرت جعفر بن ابی طالب (جعفر طیار) (محمد حسن مولوی نجفی، ۱۳۷۶)؛ کتاب جعفر طیار علیه السلام: مردی که اگر می بود (محمد مهدی معاریان، ۱۳۹۷)؛ کتاب فروغ ابدیت (جعفر سبحانی، ۱۳۸۵)؛ کتاب زندگی پرافتخار حمزه و جعفر؛ دو شهید ممتاز (محمد محمدی اشتهدادی، ۱۳۹۶)؛ مدخل جعفر بن ابی طالب در جلد ۱۸ دایره المعارف بزرگ اسلامی (علی بهرامیان، ۱۳۹۸)؛ مدخل جعفر بن ابی طالب در جلد ۱۰ دانشنامه جهان اسلام (ستار عودی، ۱۳۹۳) و مقاله واکاوی چرایی همتایی حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب در کلام اهل بیت علیهم السلام (هادی یعقوب زاده، نعمت الله صفری فروشانی، ۱۴۰۰ ه.ش).

اگرچه نمی توان از نظر فنی، موارد مزبور را جزو پیشینه تحقیق قلمداد کرد؛ زیرا هیچ یک دیدگاه علامه عاملی در این زمینه را بررسی نکرده است، اما از آنجاکه همه این پژوهش ها از نظر محتوا با هم تلاقی دارند اشاره به آنها ضروری بود. تحقیق حاضر از نظر نوع مسئله، هدف و ساختار، تفاوت و تمایز اساسی با پژوهش های قبل دارد.

۳. جعفر طیار در نگاه علامه عاملی

۳-۱. جعفر طیار دومین مرد پیشگام در اسلام

پیشگامی در اسلام از افتخارات بزرگ اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود. اهمیت این مسئله تا حدی است که برخی تلاش کرده اند نام اولین مسلمان را از امام علی علیه السلام برابیند و به فرد مورد علاقه خود بدهند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ه.ق، ۱۵۵/۷) براساس برخی گزارش ها، جعفر بن ابی طالب، دومین فردی بود که پس از برادرش امام علی علیه السلام ایمان آورد (ابن اثیر، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۸۷/۱) اگرچه برخی منابع اسلام او را بیست و ششمین نفر ذکر کرده اند (ابن حجر، ۱۴۱۵ ه.ق، ۵۹۲/۱). علامه جعفر مرتضی عاملی معتقد است که جعفر جزو اولین کسانی بود که ایمان آورد و اسلام او قبل از ابی بکر بوده است (عاملی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۶۷/۳). ایشان گزارش دوم را ادعای باطل می داند و منشأ این ادعا را فاصله زمانی میان بعثت و اسلام جعفر ذکر کرده است (عاملی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۲۴/۲). به باور وی براساس برخی گزارش ها و شواهد، پس از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ایمان آوردن امام علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام، حدود سه تا پنج سال سپری شده و پس از گذشت این





زمان، جعفر و دیگران اسلام آورده‌اند. همین مسئله برخی را به این پندار واداشته است که ایمان جعفر را جزو افراد متأخر به شمار آورند، درحالی که در این فاصله زمانی، احدی جز امام علی (ع) و حضرت خدیجه (ع) ایمان نیاورده بود (عاملی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۲/۲۴).

۲-۳. هجرت به حبشه و نقش جعفر طیار

درپی تشدید خشونت‌ها نسبت به مسلمانان در مکه، پیامبر اکرم (ص) در سال پنجم بعثت دستور داد که به سوی حبشه هجرت کنند. (ابن کثیر، ۱۳۶۹، ۱۷/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳/۷۲) در میان مورخان اعتقاد بر آن است که هجرت به حبشه دو بار انجام شده است؛ بار اول، مهاجران شامل ده مرد و چهار زن بوده‌اند و بار دوم، گروه دیگری راهی حبشه شدند که تعداد مهاجران در قلمرو حکومت نجاشی به هشتاد مرد و نوزده زن رسید (ابن هشام، بی تا، ۱/۳۵۰؛ طبری، ۱۳۸۷، ۳/۸۸۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵ ه.ق، ۲/۴۹). علامه عاملی بر این عقیده است که هجرت به حبشه فقط یک بار انجام شده است و همه مهاجران در همان هجرت واحد راهی حبشه شده‌اند. امیر این کاروان، جعفر بن ابی طالب بوده است که از بنی هاشم جز او در میان مهاجران حضور نداشته است (عاملی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۳/۲۴۵). ایشان دلیل این مسئله را سخن رسول خدا (ص) بیان می‌کند که توسط عمرو بن امیه ضمیری به نجاشی ابلاغ شد: «قد بعثت إلیکم ابن عمی جعفر بن ابی طالب، معه نفر من المسلمین، فإذا جاؤک فأقرهم» (عاملی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۳/۲۴۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳/۸۳؛ طبری، ۱۴۱۷ ه.ق).

درباره علت هجرت جعفر بن ابی طالب به حبشه، علامه معتقد است که هجرت ایشان به دلیل اذیت و آزار مشرکان مکه نبوده است؛ زیرا ابوطالب در مکه جایگاه والایی داشت و قریش از او حساب می‌بردند. از همین رو، نسبت به بنی هاشم با احتیاط برخورد می‌کردند. بنابراین، همراهی جعفر با مهاجران به دلیل رسالتی بود که پیامبر اکرم (ص) بر دوش او گذاشته بود و آن، امارت بر مهاجران و تدبیر امور آنها بود تا بر شئون آنها اشراف داشته و مانع ذوب شدن مسلمانان در جامعه و فرهنگ جدید شود (عاملی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۳/۲۴۵).

۳-۳. سخنان جعفر طیار در مجلس نجاشی منشأ تحولی بزرگ

پس از ورود مهاجران به حبشه، جعفر بن ابی طالب (ع) نماینده و سرپرست آنها دو نقش اساسی را ایفا می‌کرد: از سویی، تدبیر امور مهاجران و ایجاد انسجام و هماهنگی میان آنها

را برعهده داشت و ازسوی دیگر، با پادشاه حبشه و درباریان گفت و گو و پیام رسول خدا ﷺ را به آنها ابلاغ می‌کرد. هنگامی که نمایندگان قریش در حضور نجاشی به مسلمانان اتهام زدند و خواستار اخراج آنها شدند، جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه با بیان شیوا و رسا پاسخ محکمی ارائه کرد. ایشان در سخنان خود اقدامات فرهنگی رسول خدا ﷺ و نقش آن حضرت در تحول فرهنگ جاهلی به فرهنگ اسلامی را چنین بیان کرد: «ای پادشاه! ما قومی بودیم که در عصر جاهلیت، بت‌ها را پرستش می‌کردیم، مردار می‌خوردیم، گرفتار فحشا و منکرات بودیم، با ارحام قطع رابطه داشتیم، به همسایگان آزار می‌رساندیم، توانمندانمان افراد ضعیف و ناتوان را می‌خوردند تا اینکه خدای متعال پیامبری را از میان ما برگزید که به نسبش آشنا بودیم و به صداقت و پاکی و امانت‌داری‌اش آگاهی داشتیم. او ما را به یکتاپرستی دعوت کرد و از ما خواست که از هرگونه شرک دوری کنیم، پرستش بت‌ها را رها کنیم، در سخن گفتن راست‌گو باشیم، در امانت خیانت نکنیم، صلح‌رحم انجام دهیم، با همسایگان خوش‌رفتار باشیم، از هرگونه عمل حرام و خون‌ریزی پرهیز نماییم، از فحشا و سخن دروغ دوری گزینیم، اموال یتیمان را نخوریم و به ما فرمان داد که نماز بخوانیم و روزه بگیریم» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۳/۲۴۵).

آنچه در کلام جعفر بن ابی طالب آمده است از سویی شدت انحطاط فرهنگی عصر جاهلیت را نشان می‌دهد و ازسوی دیگر، بیانگر این نکته است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان

۱. «أبها الملك، كنا قوما أهل جاهلية، نعبد الأصنام، و نأكل الميتة و نأتي الفواحش، و نقطع الأرحام، و نسبيء الجوار، و يأكل منا القوى الضعيف، فكان على ذلك، حتى بعث الله إلينا رسولا منا، نعرف نسبه و صدقه، و أماته، و عفاقه؛ فدعانا إلى الله لنوحده، و نعبده، و نخلع ما كنا نعبد نحن و أبائنا من دونه، من الحجارة و الأوثان. و أمرنا بصدق الحديث و أداء الأمانة، و صلة الرحم، و حسن الجوار، و الكف عن المحارم و الدماء، و نهانا عن الفواحش، و قول الزور، و أكل مال اليتيم، و قذف المحصنات، و أمرنا: أن نعبد الله وحده، لا نشرك به شيئا، و أمرنا بالصلاة، و الزكاة، و الصيام...». در سیره ابن‌هشام این روایت از ام سلمه نقل شده است که خود جزو مهاجران و شاهد ماجرا بوده است. در این گزارش آمده است که نمایندگان از قریش به حضور نجاشی رسیدند و از مسلمانان بدگویی کرده و خواستار بازگرداندن آنها شدند. نجاشی آنها را در جلسه احضار کرد و از علت خارج شدنشان از آیین قریش پرسید. جعفر در جواب به بیان این موضوع اشاره کرد. ادامه گفت‌وگو در سیره ابن‌هشام چنین بیان شده است که جعفر به سخنانش ادامه داد و مسائلی از اسلام را برشمرد و پس از آن این گونه خطاب کرد: «فصدقناه و أمنا به، و اتبعناه على ما جاء به من الله، فعبدا لله وحده، فلم نشرك به شيئا، و حرّمنا ما حرّم علينا، و أحلّلنا ما أحلّل لنا، فدعا علينا قومنا، فعذبونا، و فتنونا عن ديننا، ليردونا إلى عبادة الأوثان من عبادة الله تعالى، و أن نستحل ما كنا نستحل من الخبائث، فلما قهرونا و ظلمونا و ظلموا علينا، و حالوا بيننا و بين ديننا، خرجنا إلى بلادك، و اخترناك على من سواك، و رغبنا في جوارك، و رجونا أن لا نظلم عندك أبها الملك. قالت: فقال له النجاشي: هل معك مما جاء به عن الله من شيء؟ قالت: فقال له جعفر: نعم، فقال له النجاشي: فاقراه علي، قالت: فقرأ عليه صدرا من: «كهيعص»، فبكي و الله النجاشي حتى أخصلت لحيته، و بكت أساقفته حتى أخصلوا مصاحفهم، حين سمعوا ما تلا عليهم، ثم قال (لهم) النجاشي: إن هذا و الذي جاء به عيسى ليخرج من مشكاة واحدة؛ ما به رسول خدا ﷺ ایمان آوردیم و مورد تصدیق قرار دادیم و هرآنچه از جانب خدا آورده بود، تبعیت کردیم. پس به پرستش خدای واحد پرداختیم و چیزی را شریک او قرار ندادیم و هرچه را ایشان حرام اعلام کردند، حرام شمردیم و آنچه را حلال فرمود، ما نیز حلال دانستیم. از این رو، قوم ما (قریش) راه دشمنی با ما را در پیش گرفتند و ما را مورد ستم و شکنجه قرار دادند؛ تا ما را از دین مان برگردانند و به پرستش بت‌ها وادار کنند و به همان خبائث دوران جاهلی بیالایند. زمانی که بر ما چیره شدند و ستم رواداشتند و بر ما سخت گرفتند و میان ما و وظائف دینی مان فاصله انداختند، به قلمرو حکومت تو پناه آوردیم و از میان حاکمان، تو را انتخاب کردیم، بدان امید که در پناه تو از ستم‌رهای بیابیم. نجاشی به جعفر خطاب کرد که اگر چیزی از وحی منزل از جانب خدا به یاد دارد، قرائت کند. جعفر آیات اول سوره «كهيعص» را قرائت کرد و نجاشی از شدت تأثر گریه کرد، تا جایی که اشک‌هایش بر محاسنش جاری شد و اسقف‌ها نیز گریه کردند، به قدری که مصحف‌ها از اشک چشم‌شان خیس شد. پس از آن نجاشی چنین گفت: این آیات و آنچه را عیسی صلی الله علیه و آله آورده است، از یک نور سرچشمه می‌گیرند» (ابن‌هشام، بی‌تا، ۲۳۶/۱).



اندک و با همه موانع و دشمنی‌های قوم جاهلی چه تحول بنیادینی را در حوزه فرهنگ و باورهای مردم ایجاد کرده است و با بهره‌گیری از همه ابزارهای ممکن، به سرعت این تحول عمیق فرهنگی و اعتقادی را در جامعه گسترش داده و از جامعه جاهلی و گرفتار در زنجیرهای عصبیت و جهالت، جامعه توحیدی مترقی ساخته است. موفقیت رسول خدا صلی الله علیه و آله در این مورد به اندازه‌ای بوده است که در زمان بسیار کوتاه، شاگردانی مثل جعفر را در دامان مکتب اسلام تربیت کرد که کلام الهی این چنین در جان‌ش نفوذ کرده که وقتی با ایمان و اعتقاد راسخ، آیات قرآن را تلاوت می‌کند جان‌های تشنه حقیقت را به تلاطم وامی‌دارد. تأثیر کلام جعفر بر نجاشی تاحدی بود که به دست جعفر مسلمان شد و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورد و زمانی که نجاشی از دنیا رفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله در مرگ او گریه کرد و از راه دور بر او نماز خواند. براساس برخی نقل‌ها، خدای متعال زمین را برای رسولش هموار کرد به‌گونه‌ای که جنازه نجاشی را در حبشه دید. (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۵۴/۱۷؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۱۰ هـ.ق؛ صدوق، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲/۲۵۲)

از نظر علامه مرتضی عاملی، کلام جعفر بن ابی‌طالب در مجلس نجاشی به اندازه‌ای معتبر بود که دلیلی بر اثبات حکم شرعی قرار می‌گیرد. ایشان معتقد است که یکی از دلایل وجوب زکات در مکه، همان سخن جعفر بن ابی‌طالب است که در حضور نجاشی ایراد کرد و در آن به‌طور صریح، یکی از دستورات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را زکات بیان کرد. (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۵/۱۹۰-۱۹۲) وی در پاسخ به این شبهه که ممکن است داستان جعفر و پادشاه حبشه جعلی باشد؛ زیرا در این گفت‌وگو از وجوب روزه اسم برده شده است در حالی که روزه بعد از هجرت واجب شده است، می‌فرماید: «اساساً چرا این سخن جعفر خود دلیلی بر وجوب روزه در مکه نباشد؟ با آنکه براساس صریح آیه قرآن (ر.ک.، بقره: ۱۸۳) روزه بر امت‌های پیشین نیز تشریح شده بود و از گذشته به صورت یک تکلیف شرعی وجود داشته است» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۵/۱۹۰-۱۹۲).^۱

۳-۴. اهمیت شخصیت جعفر بن ابی‌طالب در نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از آنکه به سوی خبیر حرکت کند فردی را به حبشه اعزام کرد و از

۱. می‌توان به‌گونه‌ای پاسخ داد که اصل اشکال مخدوش گردد. بدین معنا که در دو منبع یعنی تفسیر قمی (ر.ک.، ۱۳۶۷/۱۷۷) و اعلام‌الوری (۱۴۱۷ هـ.ق، ص ۴۴) و برخی منابع اهل سنت مانند البدایه و النهایه (۱۴۰۷ هـ.ق، ۶۹/۳) و عیون‌الایثر (۱۴۱۴ هـ.ق، ۱۳۸/۱)، واژه «صیام» به‌کار نرفته است. بنابراین، اصل اشکال به‌عنوان یک امر مسلم و مفروض، قابل اثبات نیست و دست‌کم مورد تردید است.

نجاشی خواست که جعفر و همراهانش را به مدینه بفرستد. نجاشی با رسیدن پیام آن حضرت، جعفر و همراهانش را با اعطای لباس های نیکو و تجهیزات کامل سفر با سوار شدن بر دو کشتی به مدینه فرستاد. (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۹۱/۱۸؛ ابن سعد، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۰۸/۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۴۳۰/۴۵) کاروان جعفر بن ابی طالب زمانی به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید که خیبر فتح شده بود. حضرت، ابورافع را به استقبال جعفر فرستاد و خود نیز هیجده گام به استقبالش رفت و او را در آغوش گرفت (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۹۰/۵-۱۹۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۳۳/۱۹).

درباره اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام ملاقات جعفر چه سخنی به او فرمود علامه عاملی سه قول را نقل می کند: گزارش اول که مشهور است و در منابع متعدد ذکر شده، چنین است: «لا أدري بأيهما أنا أشد فرحا (أو أسرّ، أو أشد سرورا) بفتح خبير؟ أو بقدم جعفر؟». (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۹۳/۱۸؛ ابن هشام، بی تا، ۱۹۹/۳؛ یعقوبی، بی تا، ۵۶/۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۲۱۰/۱). در گزارش دوم آمده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله میان دیدگان جعفر را بوسید و گریه کرد و چنین فرمود: ما أدري بأيهما أنا أشد (سرورا) فرحا، بقدمك يا جعفر، أم بفتح الله على أخيك خبير» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۹۳/۱۸؛ صدوق، ۱۴۰۳ هـ.ش، ۴۸۴/۲). در روایت سوم چنین آمده است: «يا جعفر يا أخ، ألا أحبك؟ ألا أعطيك؟ ألا أصطفيك؟ فقال جعفر: بلى فداك أبي و أمي، فعلمه صلاة التسييح» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۹۳/۱۸؛ سید ابن طاووس، ۱۳۳۰؛ مجلسی، ۱۴۲۳ هـ.ق).^۱ علامه پس از نقل این گزارش ها آنها را تحلیل می کند و در چند نکته، دیدگاه خود را ارائه می دهد که عبارتند از:

اهمیت فتح خیبر: از امام صادق علیه السلام نقل شده است که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی سخت تر از جنگ خیبر وجود نداشت؛ زیرا با بغاوت شدید عرب مواجه بود. (صدوق، ۱۳۸۵ هـ.ق، ۴۶۲/۲) فتح خیبر برای مسلمانان بسیار مهم و سرنوشت ساز بود و در دل های دشمنان اسلام در تمام جزیره العرب هراس انداخت و امید آنها را به یأس تبدیل کرد. پیروزی در این جنگ، قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی مسلمانان را بالا برد و موجب نفوذ اسلام در میان قبایل و افزایش هم پیمانان شد. همچنین از شر دشمنی خیره در فتنه افکنی، شبهه افکنی و فنون نظامی رهایی یافت. پس از این پیروزی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فراغتی به دست آورد تا بیشتر به تربیت دینی مردم اهتمام ورزد و میزان آگاهی مردم از آموزه های دینی را

۱. این نماز، به نماز جعفر طیار مشهور است و علامه مجلسی سند این روایت را معتبر دانسته است (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۲۳ هـ.ق، ص ۳۲۱).





بالا ببرد. فتح خیبر زمینه‌ساز گسترش اسلام و متمایل شدن ده‌ها هزار نفر به اسلام شد و جبهه دشمن را روزبه‌روز تضعیف کرد (عاملی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۲۹۳/۱۸).

اهمیت دستاورد جعفر: با همه اهمیت و آثار فتح خیبر، اما بازگشت جعفر از حبشه چنان ارزشمند بود که رسول خدا ﷺ آن را در درجه پیروزی با فتح خیبر یکسان دانست و بلکه ارزش بالاتری برای آن قائل شد. در نگاه پیامبر ﷺ قدم جعفر، اهمیت کم‌نظیری دارد و از اموری است که موجبات خرسندی فراوان رسول خدا ﷺ را فراهم کرده است.

علامه در بررسی این مسئله، تحلیل خود را بر این نکته متمرکز کرده است که قدم جعفر، کدام ویژگی را داشته که اهمیت آن برای پیامبر ﷺ به اندازه فتح خیبر یا بالاتر از آن بوده است. با اینکه در این جنگ، جهاد عظیمی صورت گرفته، شهدای زیادی در این راه تقدیم شده و آثار فراوانی برای اسلام و مسلمانان داشته است. نکته مهم این است که رابطه نسبی و قرابت جعفر، دلیل این اهمیت نیست. در سخن رسول خدا ﷺ سلامت جسمی جعفر و قدم همراهان وی دلیل خوشحالی ایشان بیان نشده است. بنابراین، آنچه موجب ارزش والای جعفر شد عظمت روحی، طهارت نفس، اخلاص و بندگی او بوده است که از ایشان انسان الهی خاص ساخته بود. دلیل این مسئله، گواهی قرآن است که درباره پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «ما یطق عن الهوی» (نجم: ۳). ایشان به حکم اینکه پیامبر است مجاهدت مسلمانان، شهادت برخی یاران و دستاورد عظیم فتح را بدون دلیل با قدم جعفر مقایسه نمی‌کند و صرف قرابت خاندانی و ویژگی‌هایی مانند شجاعت، فراست و... نمی‌تواند مبنای چنین سخنی باشد، بلکه میزان ارزش و قیمتی که جعفر نزد خدای متعال دارد موجب این مقایسه شده است. ویژگی که در جعفر وجود داشت و او را ارزشمند کرده بود جنبه الهی و معنوی او بود که حقایق اسلام در عمق وجود و ذات او تجسد یافته بود به‌گونه‌ای که این حقایق در عقلانیت، اخلاق و رفتار او بروز و ظهور داشت و تمام وجودش فانی در اسلام بود (عاملی، ۱۴۲۶ ه.ق، ۲۹۳/۱۸).

علامه مرتضی عاملی در ادامه تحلیل خود به این نکته اشاره می‌کند که تعالی روحی و تکامل معنوی جعفر بن ابی‌طالب موجب شده بود که کار فرهنگی عظیمی را در بلاد دوردست به ثمر رساند و زمینه‌های گسترش اسلام را در مایل‌ها دورتر از مهد اسلام فراهم

کند. او بود که با نفوذ کلام توانست پادشاه حبشه را به آیین اسلام مشرف سازد. روشن است که اسلام آوردن پادشاه حبشه در مقام بالاترین جایگاه سیاسی و حکومتی می‌توانست تأثیر عمیقی در تمایل دستگاه حکومتی و توده مردم به اسلام داشته باشد. با توجه به اینکه جعفر نماینده گروهی بود که توسط مشرکان قریش از وطن خود رانده شده و در فاصله بسیار زیادی در قلمرو حکومت بیگانه پناه برده بودند، نوع مواجهه او با پادشاه و دربار حکومتی و شیوه بیان و سخن گفتن باید با دقت، ظرافت، هوشمندی و نفوذ و اثر معنوی فراوانی همراه باشد تا چنین موفقیت‌های را در پی داشته باشد. (عاملی، ۱۴۲۶هـ.ق، ۱۸/۲۹۳)

مشارکت جعفر در فتح خیبر: اگرچه روایت متداول همان گزارش اول است، اما گزارش دوم، مشتمل بر نکات مهمی است که از دقت نظر محققان پنهان مانده است: نخست اینکه، نسبت دادن فتح به خدای متعال، تکریم افزون برای علی علیه السلام به شمار می‌آید؛ زیرا اراده الهی برای فتح در وجود امام علی علیه السلام تجسد یافته که نشانگر اوج اخلاص و فداکاری حضرت است. دوم اینکه، خطاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به جعفر با عبارت بهجت، لذت و آرامش خاصی به او اعطا می‌کند. چنین تکریمی نسبت به امام علی علیه السلام نوعی عزت بخشی به جعفر نیز به شمار می‌آید. سوم اینکه، تصریح به برادری امام علی علیه السلام نسبت به جعفر، نشانه نوعی مشارکت او در فتح خیبر است؛ زیرا رابطه برادری و تصریح به این مقوله در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و محض بودن امام علی علیه السلام و جعفر در مسیر رضایت الهی، انتساب فتح را به جعفر نیز موجه می‌کند (عاملی، ۱۴۲۶هـ.ق، ۱۸/۲۹۳).

۳-۵. جعفر طیار فرمانده نخست جنگ مؤته

جنگ مؤته (منطقه‌ای در شام) در سال هشتم هجرت و در مصاف با رومیان رخ داد. علت این جنگ، کشته شدن پیک رسول خدا صلی الله علیه و آله (حامل نامه حضرت به پادشاه بصری) توسط شرحبیل بن عمرو غسانی حاکم سرزمین مؤته بود. در این جنگ، سه تن از فرماندهان سپاه اسلام شهید شدند و مسلمانان به مدینه بازگشتند. (عاملی، ۱۴۲۶هـ.ق، ۱۹/۲۷۶) درباره اینکه ترتیب فرماندهان جنگ چگونه بود، بیشتر محدثان اهل سنت این‌گونه نقل کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله زید را فرمانده سپاه قرار داد و فرمود: «اگر زید کشته شد، جعفر بن ابی طالب علیه السلام فرمانده بعدی خواهد بود و اگر او نیز کشته شود عبدالله بن رواحه عهده‌دار رهبری سپاه می‌باشد و





پس از او هرکسی مورد رضایت سپاه بود فرماندهی را برعهده گیرد» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۷۶/۱۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۶۱/۱۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۴۱/۴؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۸/۲).

درپی این گزارش چنین نقل کرده اند که جعفر امارت زید را بر خود برنتابید و به رسول خدا ﷺ اعتراض کرد. حضرت فرمود: «تو نمی دانی خیر در چیست» (ابن سعد، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۳۴/۳؛ بیهقی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۳۶۷/۴؛ طبری، ۱۳۸۷، ۴۱/۳). علامه مرتضی عاملی نخست، اعتراض جعفر به اقدام پیامبر اکرم ﷺ را بررسی نموده و پس از آن اصل امارت زید بر جعفر را به چالش می کشد و شواهد کافی ارائه می کند که امیر اول جنگ مؤتة جعفر بن ابی طالب بوده است. درباره نکته اول، ایشان بر این باور است که چنین انتسابی به جعفر کذب است و در راستای تخریب شخصیت ایشان جعل شده است (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۷۶/۱۹). شواهدی که این مسئله را تأیید می کند عبارتند از: نخست اینکه شأن جعفر فراتر از آن است که نسبت به دستورات رسول خدا ﷺ نافرمانی کند و چنین حکمی را فاقد صواب و عدالت بداند. سخنان حضرت درباره ایشان، اطاعت و انقیاد کامل او را به خوبی آشکار می کند. دوم اینکه، نص عبارت به دو صورت نقل شده است که دو معنای مختلف دارد. در یکی از آنها از شخص جعفر چنین نقل شده است: «ما كنت أذهب أن تستعمل عليّ زيدا؛ باکی ندارم از اینکه زید، امیر من باشد» (ابن سعد، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۳۴/۳؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۲۲ هـ.ق؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۱۴۵/۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۱۷/۲). این عبارت دلیل بر آن است که جعفر امارت زید را پذیرفته است. در نص دیگر این گونه آمده است: «ما كنت أذهب إن تستعمل عليّ زيدا» (ابن اثیر، ۲۳۴/۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ۴۱/۳) که نشانگر تمرد از دستور پیامبر ﷺ است. به نظر می رسد در اینجا به طور عمدی یا سهوی، تصحیف و غلط چاپی و نگارشی صورت گرفته است (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۷۶/۱۹). سوم اینکه، فرمانده اول جنگ مؤتة، شخص جعفر عليه السلام بوده است نه زید. اگرچه بیشتر محدثان اهل سنت گفته اند که پیامبر اکرم عليه السلام زید را امیر اول قرار داد، سخن درست این است که فرمانده اول، جعفر بوده است همان گونه که شیعه بر این نظر است. به گفته ابن ابی الحدید، محدثان سنی اتفاق دارند که فرمانده اول، زید بوده است، اما شیعه این ادعا را انکار می کنند و معتقدند که فرمانده اول، جعفر بن ابی طالب عليه السلام بوده است. مستند شیعه روایاتی است که در این زمینه نقل کرده اند و در کتاب *مغازی واقعی*، شواهدی بر قول شیعه یافت می شود (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۶۰/۱۵).

شواهدی که این نظر را تأیید می‌کنند عبارتند از: روایاتی که ابن ابی الحدید به آنها اشاره کرده و از اهل بیت علیهم‌السلام صادر شده است. این روایات در حدی است که سید شرف‌الدین در این زمینه گفته است: «إن أخبارنا فی هذا متظافرة، من طریق العترة الطاهرة» (شرف‌الدین، ۱۴۴هـ.ق، ص ۸۵). همچنین براساس نقل ابن سعد، ابی عامر که شاهد جنگ مؤنه بوده چنین گزارش می‌کند: «اول بار جعفر پرچم را برداشت و به دشمن حمله کرد تا به شهادت رسید، پس از او زید پرچم را برداشت» (ابن سعد، ۱۴۵هـ.ق، ۱۲۹/۲). یعقوبی نیز هردو نقل را ذکر می‌کند، اما نظر خود را چنین بیان می‌کند: «و وجه جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه فی جیش الی الشام» (یعقوبی، بی تا، ۶۵/۲). این عبارت در تأیید دیدگاه شیعه ظهور دارد. همچنین از امام صادق علیه‌السلام نیز نقل شده است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جعفر را امیر قرار داد، پس از او زید و پس از زید ابن رواحه را فرمانده تعیین کرد (طبرسی، ۱۴۱۷هـ.ق، ص ۱۱۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹/۱، ۲۵۵؛ محسن امین، ۱۴۰۳، ۲۲۴/۲). شیخ طوسی نیز گفته است که گزارش‌ها در این زمینه مختلف هستند. برای تأیید دیدگاه شیعه به شعر حسان بن ثابت تمسک شده است (طوسی، ۱۳۸۲/۱، ۲۲۷). همچنین شعر حسان بن ثابت که ابن ابی الحدید به آن اشاره کرده است در بخشی از آن چنین آمده است: «فلا یبعدن الله قتلی تتابعوا/ بمؤتة، منهم ذو الجناحین جعفر و زید، و عبدالله، حیث تتابعوا؛ از رحمت خدا دور نباشند شهیدانی که پی هم در مؤته به قتل رسیدند/ از جمله آنها جعفر (صاحب دو بال)، زید و عبدالله بودند که یکی پس از دیگری شربت شهادت نوشیدند» (عاملی، ۱۴۲۶هـ.ق، ۲۷۶/۱۹؛ ابن هشام، بی تا، ۲۶/۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴هـ.ق، ۶۳/۱۵). در این شعر، به ترتیب و پی هم بودن جعفر، زید و ابن رواحه تصریح شده و در ادامه آن آمده است که رهبر و فرمانده آنها فرد عالی‌رتبه از بنی‌هاشم بوده است (عاملی، ۱۴۲۶هـ.ق، ۲۷۶/۱۹). در بخشی از مرثیه کعب بن مالک انصاری برای شهدای مؤته نیز آمده است: «فضوا امام المسلمین یقودهم فتق علیهن الحدید المرفل إذ یهتدون بجعفر و لوائه/ قدام أولهم فنعیم الأول حتی تفرجت الصوف و جعفر/ حیث التقی و عث الصوف مجدل؛ آنها پیشاپیش مسلمانان همانند شترهای نر پوشیده از زره آهنی در حرکت بودند. جعفر پرچم به دست پیشاپیش همه قرار داشت و صفوف دشمن را می‌شکافت و پس از آنکه صف‌های مقاوم را شکافت، نقش زمین شد» (ابن هشام، بی تا، ۲۷/۴؛ ابوالفرج اصفهانی، بی تا؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴هـ.ق، ۶۳/۱۵). در این اشعار نیز ترتیب فرماندهان به صراحت بیان شده و جعفر را اولین و بهترین امیر و پرچمدار می‌دانند





(عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۹/۲۷۶). از انس بن مالک نقل شده است که رسول خدا ﷺ خطبه ای خواند و درحالی که اشکش جاری بود، چنین فرمود: «جعفر پرچم را برداشت و کشته شد، سپس زید پرچم را گرفت و کشته شد و پس از او، ابن رواحه پرچم برافراشت و کشته شد. آنگاه علی (علیه السلام) رو به طرف مؤتة کرد و فرمود: "با آنها چنین بیعت شده بود که اگر جعفر (علیه السلام) شهید شد، امیر شما زید خواهد و اگر زید به شهادت رسید ابن رواحه امیر شما خواهد بود"» (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳/۲۰۶). همچنین در گزارشی از ابن عباس و عبدالله بن جعفر خطاب به معاویه تصریح شده است که رسول خدا ﷺ جعفر را امیر همه سپاه قرار داد و پس از او زید و پس از زید، ابن رواحه را تعیین کرد» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۹/۲۷۶؛ سلیم بن قیس هلالی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲/۸۴۴؛ سیدبن طاووس، ۱۴۲۰ هـ.ق)، در احتجاجی که امام حسن (علیه السلام) با معاویه داشته است به امارت جعفر بر همه سپاه تصریح شده است و پس از او از زید و ابن رواحه اسم برده شده است (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۹/۲۷۶؛ طبرسی، ۱۳۸۶/۲/۲۸۷).

افزون بر موارد مطرح شده از امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل شده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در شرایط سخت و دشوار، اهل بیت خود را پیشگام مرگ می کرد و با سپر قرار دادن آنها از جان اصحاب خود محافظت می کرد چنان که در جنگ بدر، عبیده به شهادت رسید، در جنگ احد حمزه و در جنگ مؤتة، جعفر پیشگام شهادت شدند. (شریف رضی، ۱۴۱۴ هـ.ق) نکته دیگر اینکه اگر جعفر با زید مقایسه شود نشان از برتری جعفر از نظر هوش، تدبیر، سیاست، شجاعت و... دارد. این برتری هم در رفتار جعفر مشهود است و هم در بیانات رسول خدا ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) به آن تصریح شده است تا جایی که امیرمؤمنان (علیه السلام) جعفر را جزو هفت نفری ذکر کرده است که مانند آنها در زمین خلق نشده است (حمیری، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۵). پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به حکم اینکه پیامبر است و به حکم اینکه در امور جنگی بهترین گزینه ها را انتخاب می کند، می بایست جعفر را در رأس امور قرار داده باشد (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۹/۲۷۶).^۲

باتوجه به نکاتی که بیان شد تردیدی باقی نماند که فرمانده و امیر اول در جنگ مؤتة جعفر بن ابی طالب (علیه السلام) بوده است. بنابراین، به نظر می رسد دست هایی در کار بوده است

۱. در کتاب/ احتجاج (۱۳۸۶ هـ.ق، ۲/۲۸۶) این سخن از ابن عباس نقل شده است که امام حسن (علیه السلام)، معاویه را خطاب قرار داد و در بخشی از سخنان خود، جعفر را فرمانده اول سپاه جنگ مؤتة اعلام کرد.
۲. شاهد دیگری که می توان بر شواهد فوق افزود، مقایسه شیوه نبرد جعفر و زید است. شیوه جنگی جعفر به لحاظ عزم و اراده محکم، اظهار شجاعت، عدم رویگردانی از دشمن و تحمل همه زخم ها از ناحیه صورت و... نشان از برتری جعفر برای فرماندهی دارد؛ چیزی که درباره زید گزارش نشده است.

تا حقیقت را مشوش جلوه دهند و گویا برادری جعفر با امام علی علیه السلام جرمی بوده است که دست تزویر در صدد لوٹ کردن تاریخ برآمده است. رد پای این مسئله آنجا بیشتر آشکار می شود که حتی عایشه ادعا کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هیچ جنگی زید را نفرستاد جز اینکه او را امیر لشکر قرار داد و اگر زنده می ماند، پیامبر صلی الله علیه و آله او را جانشین خود قرار می داد. (ابن اثیر، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۳۱/۲؛ عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۷۶/۱۹)

براساس گزارش ها، جعفر بن ابی طالب علیه السلام در جنگ مؤته رشادت کم نظیری از خود نشان داد و با ایمان راسخ و شجاعت تمام به مصاف دشمن رفت و تا پای جان با آنها جنگید. ترسیم پایداری و چگونگی شهادت ایشان در منابع از سویی نشانگر اوج اخلاص، فداکاری، شجاعت و استقامت اوست و از سوی دیگر، بسیار دردناک و تأثیر انگیز است. شیوه جنگیدن و شهادت جعفر، همگونی بسیاری با شهادت حضرت عباس بن علی علیه السلام در کربلا دارد. هنگامی که با دشمن مواجه شد پرچم را برافراشته نگه داشت و با آن حال می جنگید تا اینکه یکی از دستانش بریده شد. بلافاصله پرچم را با دست دیگر بالا برد و همچنان در برابر دشمن پابرجا مقاومت می کرد. در این گیرودار، دست دیگرش نیز قطع شد. در این حال با قسمت باقی مانده دست ها پرچم را در سینه نگه داشت و با دشمن درگیر بود تا اینکه به شهادت رسید (عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۲۵/۲۰؛ ابن هشام، بی تا، ۲۶/۴).

رشادت کم نظیر جعفر در این جنگ در حالی بود که روزه داشت (حلبی، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۶۹/۳) و خداوند به پاس فداکاری او دو بال به او عطا کرد که در بهشت هرجا مایل باشد، پرواز کند (ابی مخنف، ۱۳۹۸ هـ.ق، ۱۷۶؛ صدوق، ۱۴۰۳، ۶۸/۱، ۱۴۰۳؛ طوسی، ۱۴۱۴ هـ.ق). استقامت و پایداری جعفر در برابر دشمن تا حدی بود که جلو بدن او زخم های بسیاری برداشته بود. در گزارش ها چهل زخم، پنجاه زخم (که ۲۵ زخم بر صورتش بوده است)، شصت زخم، هفتاد زخم، هفتاد و دو زخم و نود زخم ذکر شده است (ر.ک.، عاملی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۱۴-۱۲/۲۰؛ بخاری، ۱۹۸۱، ۸۶/۵؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۵۵۰/۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۶۲/۲۷).

۳-۶. گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در شهادت جعفر طیار و سنت اطعام به خانواده معزا

شهادت جعفر بن ابی طالب علیه السلام برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار جان گاه و غم انگیز بود به گونه ای که برابری می کرد با فرح و شادمانی که برای حضرت هنگام بازگشت جعفر از





حبشه حاصل شد. برپایه گزارش‌ها، زمانی که خبر شهادت جعفر به ایشان رسید، رقت قلب و تأثر عمیقی در وجودش پدید آمد و با حزن و اندوه تمام در این مصیبت عظیم گریه می‌کرد و اشک می‌ریخت. (ابن کثیر، ۱۳۶۹، ۸۳۵/۳، ابن اثیر، ۱۴۰۹ هـ. ق، ۲۸۹/۱، طبرانی، بی تا، ۴۴/۲۴) پیامبر ﷺ پس از شنیدن این خبر اندوهناک به خانه جعفر رفت و فرزندان او را در آغوش گرفت و آنها را می‌بویید و اشک شدید از چشمانش جاری بود. وقتی اسماء، همسر جعفر، این وضعیت را دید و دانست که همسرش جام شهادت نوشیده است فریادش بلند شد و چنان ناله زد که زن‌ها دورش جمع شدند. بی‌تابی اسماء به حدی بود که بی‌اختیار بر سر و صورت می‌زد و سخنانی دور از شأن بر زبان جاری می‌کرد. از همین رو، رسول خدا ﷺ به او فرمود: «یا اسماء، لا تقولی هجرا، و لا تضربی صدرا» (ابن سعد، ۱۴۰۵ هـ. ق، ۲۲۰/۸). پیامبر اکرم ﷺ پس از آن وارد خانه دخترش حضرت فاطمه (علیها السلام) شد و شنید که دخترش چنین فریاد می‌زند: «وا عماء!». حضرت فرمود: «علی مثل جعفر فلتبکی الباکیه» (عاملی، ۱۴۲۶ هـ. ق، ۱۴۰/۲۰، واقفی، ۱۴۰۹ هـ. ق، ۷۶۶/۲، ابن سعد، ۱۴۰۵ هـ. ق، ۲۸۲/۸، صنعانی، المصنف، ۱۳۹۰، ۵۵۰/۳، طبرسی، ۱۳۸۶، ۱۷۳/۱).

از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است که هیچ روزی مثل جنگ احد و جنگ مؤتة بر پیامبر اکرم ﷺ سخت نگذشت. در احد، حمزه (علیه السلام) را از دست داد و در مؤتة، جعفر به شهادت رسید. (عاملی، ۱۴۲۶ هـ. ق، ۱۴۰/۲۰، ابی مخنف، ۱۳۹۸ هـ. ق، صدوق، ۱۴۱۷ هـ. ق) از این رو، هرگاه پس از شهادت جعفر، امام علی (علیه السلام) را مأموریتی می‌داد این آیه را تلاوت می‌کرد: «وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» (انبیاء: ۸۹) (مسعودی، ۱۹۶۵، ۴۳۴/۲). رسول خدا ﷺ خانواده جعفر را با پاداشی که خداوند به او عطا کرده بود، تسکین می‌داد و می‌فرمود: «پس از این برای برادرم گریه نکنید. خداوند به او دو بال عطا کرده است که هر جای بهشت بخواهد، پرواز کند» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۹ هـ. ق، ۲۰۴/۱، نسایی، ۱۴۳۸ هـ. ق، ۱۸۲/۸، ابوداؤد، ۱۴۱۰ هـ. ق، ۲۸۸/۲) و دستور داد که تا سه روز به خانواده جعفر غذا دهند و پس از آن اطعام به خانواده متوفی به صورت یک سنت باقی ماند (عاملی، ۱۴۲۶ هـ. ق، ۱۴۰/۲۰).

۴. ارزیابی دیدگاه علامه مرتضی عاملی درباره جعفر طیار

در بخش پایانی، تحلیل و ارزیابی کوتاهی از دیدگاه علامه جعفر مرتضی عاملی (رحمته الله علیه) درباره جعفر طیار (علیه السلام) صورت می‌گیرد. اهمیت این مسئله از آن روست که تاکنون از سوی محققان

بررسی و نقدی در این زمینه انجام نشده است. اگرچه مجال ارزیابی تفصیلی در اینجا وجود ندارد، نکاتی طی دو محور ارائه می شود.

۴-۱. نقاط قوت دیدگاه علامه مرتضی عاملی درباره جعفر طیار

اول) ارائه تحلیل قوی و جامع از مسئله: مرحوم عاملی مانند دیگر مسائل و مباحث تاریخی، دقت های فراوانی به این موضوع داشته و تحلیل جامع و منسجمی ارائه کرده است که در پژوهش های پیش از آن به چشم نمی آید. قوت تحلیل ها درباره یک مسئله تاریخی از سویی و انسجام و هم پوشانی آنها از سوی دیگر، نقطه قوتی است که در کمتر پژوهش هایی دیده می شود. پیوستگی تحلیل ها در موضوعاتی مانند سبقت در ایمان، هجرت واحد به حبشه به سرپرستی جعفر طیار، موقعیت شناسی و نکته سنجی جعفر در مجلس نجاشی، دستاوردی مهمتر از فتح خیبر، فرماندهی اول در جنگ مؤته، کیفیت شهادت جعفر، سخنان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره او و پایه گذاری سنت اطعام در شهادتش، از وی شخصیتی با ویژگی های ممتاز و الگویی ترسیم کرده است.

دوم) ارائه تحلیل های جدید: افزون بر جامعیت و انسجام تحلیل ها برخی از آنها به صورت بدیع ارائه شده است. برای نمونه، از دیرباز مورخان بر این عقیده بوده اند که هجرت به حبشه دو بار رخ داده است، اما علامه، این تلقی را به چالش می کشد و با استفاده از شواهدی که در متن نامه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نجاشی وجود دارد، معتقد است یک هجرت واقع شده است. نمونه دیگر، مقایسه دستاورد جعفر با فتح خیبر است که با نگاه به زوایایی جدید به این مسئله پرداخته و برتری آن نسبت به فتح خیبر ثابت شده است.

سوم) تأثیرناپذیری از مشهورات: با وجود شهرت تاریخی برخی مسائل درباره جعفر طیار مانند هجرت دوگانه مسلمانان به حبشه و تقدم فرماندهی زید در جنگ مؤته، اما علامه بدون تأثر از چنین مشهوراتی، مجموع گزارش ها، شواهد و قراین را ملاک تحلیل و اظهار نظر قرار داده است. از همین رو، به نتایج متفاوتی با نگاه مشهور دست یافته است. رعایت این مسئله در پژوهش های تاریخی، اصلی مهم است که نشانه حریت فکری پژوهشگر از سویی و رعایت روشمندی پژوهش تاریخی از سوی دیگر است.

چهارم) عدم تحمیل باورها و پیش فرض های کلامی بر تحلیل ها: علامه مرتضی عاملی





باوجود ارائه تحلیل‌های مبتنی بر شواهد و قراین فراوان از گزاره‌ها و ادله کلامی استفاده نکرده است، البته در تحلیل سخن پیامبر اکرم (ص) در مقایسه دستاورد جعفر طیار و فتح مکه به آیه سوم سوره نجم استناد نموده (ر.ک.، عاملی، ۱۴۲۶ ه.ق. ۲۰/۱۴۰) که ممکن است موهم نگاه کلامی ایشان باشد. این استناد فقط برای اثبات درستی سخن پیامبر (ص) صورت گرفته که براساس واقع و خارج از هرگونه هوی و هوس است. چنین نگاهی به طور لزوم، کلامی به‌شمار نمی‌آید؛ زیرا صدق سخن رسول خدا (ص) بنیان تاریخ عصر نبوی است.

۴-۲. نقاط قابل تأمل دیدگاه علامه مرتضی عاملی درباره جعفر طیار

اول) عدم توجه به برخی شواهد در تحلیل‌ها: با نگاه جامع و همه‌جانبه مرحوم عاملی در جمع شواهد و قراین، به نظر می‌رسد برخی شواهد مورد توجه قرار نگرفته است. از جمله در بحث وجوب صیام، برخی منابع فاقد عبارت الصیام است که اصل اشکال و وجوب صیام در پیش از هجرت را با تردید مواجه می‌کند، اما در بیان علامه به آن توجه نشده است. همچنین در بحث فرمانده اول در جنگ مؤتة، شیوه مبارزه جعفر طیار و مقایسه آن با زید می‌تواند یکی از شواهد بر فرماندهی اول جعفر باشد که به‌طور واضح به آن اشاره نشده است. دوم) عدم دقت در انتساب برخی گزارش‌ها: مرحوم علامه در بحث اولین فرمانده جنگ مؤتة شواهدی را مبنی بر فرماندهی جعفر در قالب امیر کل سپاه مطرح کرد و در نقل از کتاب الاحتجاج سخنی را به امام حسن (ع) نسبت داده که در مقام محاجه با معاویه، جعفر را اولین فرمانده نام برده است. در حالی که گوینده این سخن، عبدالله بن عباس بوده که در حضور امام حسن (ع) و در خطاب به معاویه بیان شده است.

۵. نتیجه‌گیری

علامه جعفر مرتضی عاملی (رح) برخلاف دیگر محققان، نگاه نقادانه بیشتری نسبت به داده‌های تاریخی درباره جعفر بن ابی طالب (ع) دارد و با معیارهای روش تاریخی، به نقد و بررسی گزارش‌ها می‌پردازد. از همین رو، هیچ‌گاه مرعوب شهرت‌های تاریخی قرار نمی‌گیرد و هرگاه جمع شواهد و قراین علیه مشهورات باشد به راحتی آنها را به چالش می‌کشد. رویکرد نظام‌مند او و بررسی تمام عناصر مرتبط با این موضوع موجب شده است که از

حضرت جعفر طیار علیه السلام شخصیت منسجم، تأثیرگذار و هدف‌دار ارائه کند. یافته‌هایی که از تحلیل‌های او به دست می‌آید به نوعی بدیع به نظر می‌رسد. تأکید بر پیشگامی جعفر طیار در اسلام در قالب دومین مرد پس از امام علی علیه السلام و بیان چرایی برشمردن جعفر در میان متأخران در اسلام در برخی نقل‌ها، هجرت به حبشه که بهترین گزینه برای سرپرستی و تدبیر امور مهاجران بود، ایجاد تحول بنیادین روحی و فکری در مجلس نجاشی با بیان اقدامات فرهنگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، زمینه‌سازی گسترش فرهنگ اسلام در آن دیار با استفاده از ایمان راسخ و قدرت بیان و بصیرت نافذ، تبیین جایگاه معنوی و شخصیتی جعفر طیار در نگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نقش فرماندهی اول در جنگ مؤته از یافته‌هایی است که در دیدگاه علامه تبلور یافته است. برخی تأملات مانند دستیابی به شواهد بیشتر و دقت در انتساب سخنی به ابن عباس (به جای امام حسن علیه السلام) نیز وجود دارد که در تحلیل‌های علامه به آنها توجه نشده است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ ه.ق). شرح نهج البلاغه. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
 ۲. ابن ابی جمهور احسایی (۱۴۱۰ ه.ق). الاقطاب الفقهیه علی مذهب الامامیه. قم: مکتبه آیت الله المرعشی العامه.
 ۳. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ ه.ق). المصنف. بیروت: دارالفکر.
 ۴. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد (۱۴۲۲ ه.ق). المغازی. محقق: عبدالعزیز عمری. ریاض: دارالاشیبا.
 ۵. ابن اثیر جزیری، علی بن محمد (۱۴۰۹ ه.ق). اسد الغابه فی معرفه الصحابه. بیروت: دارالفکر.
 ۶. ابن تیمیه حرانی، احمد (۱۴۰۶ ه.ق). منهاج السنه النبویه. محقق: محمد رشاد سالم. قرطبه: مؤسسه قرطبه.
 ۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ ه.ق). الاصابه فی تمییز الصحابه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۸. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد (۱۴۰۹ ه.ق). شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام. محقق: حسنی جلالی، محمد حسین. قم: جامعه مدرسین.
 ۹. ابن سعد (۱۴۰۵ ه.ق). الطبقات الکبری. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۰. ابن سید الناس (۱۴۱۴ ه.ق). عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائیل و السیر. بیروت: دارالقلم.
 ۱۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. قم: علامه.
 ۱۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۳۰). جمال الاسیوع بکمال العمل المشروع. قم: دارالرضی.
 ۱۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۲۰ ه.ق). طرف من الانباء و المناقب. محقق: قیس عطار. مشهد: تاسوعا.
 ۱۴. ابن عساکر (۱۴۱۵ ه.ق). تاریخ مدینه دمشق. بیروت: دارالفکر.
 ۱۵. ابن کنیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۳۶۹). السیره النبویه. محقق: مصطفی عبدالواحد. بیروت: دارالمعرفه.
 ۱۶. ابن کنیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ ه.ق). البدایه و النهایه. بیروت: دارالفکر.
 ۱۷. ابن هشام (بی تا). السیره النبویه. محقق: مصطفی السقا، ابراهیم الایاری، و عبدالحفیظ شلبی. بیروت: دارالمعرفه.
 ۱۸. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (بی تا). مقاتل الطالبیین. محقق: سید احمد صقر. بیروت: دارالمعرفه.



١٩. ابي داوود، سليمان بن اشعث (١٤١٠ هـ.ق). سنن ابي داود. بيروت: دارالفكر.
٢٠. ابي مخنف، لوطين يحيى (١٣٩٨ هـ.ق). مقتل الحسين عليه السلام. قم: المطبعة العلميه.
٢١. احمد بن حنبل (١٤٢٩ هـ.ق). مسند. بيروت: دارالكتب العلميه.
٢٢. بخارى، محمد بن اسماعيل (١٩٨١). صحيح البخارى. بيروت: دارالفكر.
٢٣. بيهقى، احمد بن حسين (١٤٠٥ هـ.ق). دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشريعه. بيروت: دارالكتب العلميه.
٢٤. حلبى، على بن برهان (١٤٠٠ هـ.ق). السيره الحلبيه (انسان العيون فى سيره الامين المأمون). بيروت: دارالمعرفه.
٢٥. حميرى، عبدالله بن جعفر (١٤١٣ هـ.ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٢٦. سليم بن قيس هلالى (١٤٠٥ هـ.ق). كتاب سليم بن قيس الهلالى. محقق: انصارى زنجانى، محمد. قم: الهادى.
٢٧. شرف الدين، عبدالحسين (١٤٠٤ هـ.ق). النص والاجتهاد. قم: ابومجتبى.
٢٨. شريف رضى، محمد بن حسين (١٤١٤ هـ.ق). نهج البلاغه. محقق: صبحى صالح. قم: هجرت.
٢٩. صالحى شامى، محمد بن يوسف (١٤١٤ هـ.ق). سبل الهدى والرشاد فى سيره خير العباد. بيروت: دارالكتب العلميه.
٣٠. صدوق، محمد بن على (١٣٨٥). علل الشرايع. نجف: مكتبه الحيدريه.
٣١. صدوق، محمد بن على (١٤٠٣). الخصال. قم: مؤسسه النشر الاسلامى التابع لجماعه المدرسين فى الحوزه العلميه.
٣٢. صدوق، محمد بن على (١٤٠٤ هـ.ق). عيون اخبار الرضا عليه السلام. بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات.
٣٣. صدوق، محمد بن على (١٤١٧ هـ.ق). امالى. قم: مؤسسه البعته.
٣٤. صنعانى، عبدالرزاق (١٣٩٠). المصنف. بيروت: المجلس العلمى.
٣٥. طبرانى، سليمان بن احمد (بى تا). المعجم الكبير. بيروت: داراحياء التراث العربى.
٣٦. طبرسى، فضل بن حسن (١٣٨٦). الاحتجاج لابي منصور احمد بن على بن ابي طالب الطبرسى. نجف: دارالنعمان.
٣٧. طبرسى، فضل بن حسن (١٤١٧ هـ.ق). اعلام الورى باعلام الهدى. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٣٨. طبرى، محمد بن جرير (١٣٨٧). تاريخ الامم والملوك. محقق: محمد ابوالفضل ابراهيم. بيروت: دارالتراث.
٣٩. طوسى، محمد بن حسن (١٣٨٢). تلخيص الشافى. محقق: بحر العلوم، حسين. قم: محبين.
٤٠. طوسى، محمد بن حسن (١٤١٤ هـ.ق). الامالى. قم: دارالثقافه.
٤١. عاملى، جعفر مرتضى (١٤٢٦ هـ.ق). الصحيح من سيره النبى الاعظم. قم: دارالحديث.
٤٢. عاملى، محسن امين (١٤٠٣). اعيان الشيعه. بيروت: دارالتعارف.
٤٣. قمى، على بن ابراهيم (١٣٦٧). تفسير قمى. محقق: موسوى جزايرى، طيب. قم: دارالكتاب.
٤٤. مجلسى، محمد باقر (١٤٢٣ هـ.ق). زاد المعاد، مفتاح الجنان. محقق: اعلمى، علاء الدين. بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات.
٤٥. مسعودى، على بن حسين (١٩٦٥). مروج الذهب و معادن الجواهر. بيروت: دارالاندلس.
٤٦. نساى، احمد بن شعيب (١٤٣٨ هـ.ق). سنن النساى. بيروت: دارالفكر.
٤٧. واقدى، محمد بن عمر (١٤٠٩ هـ.ق). المغازى. محقق: مارسدن جونس. بيروت: مؤسسه الاعلمى.
٤٨. يعقوبى، احمد بن واضح (بى تا). تاريخ يعقوبى. بيروت: دارصادر.

